

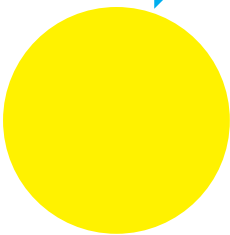


«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

شنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۱۳۸
• اذان ظهر ۱۱/۵۳ • اذان صبح فردا ۴/۳۸ • طلوع آفتاب فردا ۱/۰۶

irannews.ir

ایران



امام باقر(ع):

هیچ شرافتی (اقتضاری) چون بلند همتی نیست.

سخن‌روز

پجار الأئوار، ج ۷۸، ص ۱۶۵، ج ۱

نمایش فیلم «نوید محمدزاده» در جشنواره توکیو

سی و نهمین جشنواره فیلم توکیو فهرست فیلم‌های بخش‌های رقابتی خود را اعلام کرد و نوید محمدزاده با اولین فیلم بلندش با عنوان هن واقعاً چیز خاصی نیستم» و سهیل کریمی با فیلم «نقره» در بخش آینده آسیا این جشنواره معتبر حاضر خواهند بود. پیش از این حضور فیلم «خانه دوست کجاست؟» ساخته عباس کیارستمی در بخش فیلم‌های محبوب آکیرا کوروساوا اعلام شده بودند. سی و نهمین جشنواره فیلم توکیو از ۲۶ اکتبر تا ۴ نوامبر (۴ تا ۱۳ آبان) در ژاپن برگزار خواهد شد. **ایسنا**

مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران

رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

مدیرعامل: علی متقیان

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • فاکس: ۸۸۷۶۱۷۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مستقرین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

پیامک: ۳۰۰۴۵۱۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های ایران و مؤسسه جام جم

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ شرکت NISCERT

بذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

سردبیر:

هادی خسروشاهین

وظیفه سنگین جشنواره کودک برای موضوع جانکاه میناب

جشنواره‌ای که به نام کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود، نمی‌تواند از جهان واقعی آنان فاصله بگیرد. این جشنواره باید هم پناهگاه خیال و شادی باشد و هم زبان کودکان؛ از رنج‌هایی که بر آنان گذشته است سخن بگوید و حق آنان را برای شور و نشاط، امنیت، آموزش، بازی و زندگی یادآوری کند. سینما، در کنار روایت این رنج‌ها، باید سهم کودکان ایرانی از لیختن، قسه، رویا و امید را نیز پاس بدارد. علاوه بر این، باید به عنوان ساکنان حوزه فرهنگ، توجه داشته باشیم که موضوع جانکاه «میناب» امروز برای فرهنگ و هنر ایران تنها نام یک شهر نیست. نام این فرزندان ایران نباید در هیاهوی اخبار فراموش شود؛ و از این بابت، جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان وظیفه سنگینی بردوش دارد.

پیام سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برای سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان



در آیین اهدای ششمین نشان عالی خورشید به احمد ضابطی جهرمی مطرح شد نیم قرن در جست‌وجوی زبان مستند

تحلیل فرهنگی روز

رصاصاتی

دبیر گروه فرهنگی

فرهنگ؛ سفیری که باید بماند



هفته فرهنگی ایران در روسیه تمام شد، اما سؤال اصلی تازه شروع می‌شود. اینکه از این هفته چه چیزی قرار است باقی بماند؟ روزهای فرهنگی ایران در روسیه، فارغ از حاشیه‌های معمول چنین رویدادهایی، فرصتی بود برای آنکه بخشی از فرهنگ و هنر ایران در چند شهر روسیه به نمایش گذاشته شود؛ از موسیقی و سینما و هنرهای تجسمی تا ادبیات و میراث فرهنگی.

حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از هنرمندان و مدیران فرهنگی نیز بر اهمیت رسمی این رویداد افزود. اما اهمیت واقعی چنین برنامه‌هایی را نه باید در مراسم افتتاحیه جست‌وجو کرد و نه در تعداد عکس‌های یادگاری و خبرهای منتشر شده. ساله اصلی، چیزی است که بعد از خاموش شدن چراغ‌های مراسم باقی می‌ماند. فرهنگ اگر فقط «ارائه» شود، نمایش است؛ اما اگر به نمایشگاه، نشست و مراسم محدود خواهد شد. راینی فرهنگی باشد که دربراره هفته‌های فرهنگی باید به آن توجه کرد. برگزاری یک هفته فرهنگی، فی‌نفسه اتفاق خوبی است، اما نمی‌تواند هدف نهایی باشد. چنین رویدادی باید نقطه آغاز یک سلسله ارتباطات باشد؛ ارتباط میان هنرمندان، نویسندگان، ناشران، دانشگاه‌ها، مؤسسات فرهنگی و رسانه‌های دو کشور. به عبارت دیگر، هفته فرهنگی نباید یک «مقصد» باشد؛ باید یک «پل» باشد. اینجاست که نقش راینی‌های فرهنگی اهمیت پیدا می‌کند.

راینی فرهنگی را نمی‌توان صرفاً دفتر اجرای برنامه‌های فرهنگی یک کشور در خارج دانست. اگر چنین باشد، کارکرد آن به برگزاری چند نمایشگاه، نشست و مراسم محدود خواهد شد. راینی فرهنگی در معنا واقعی خود باید واسطه‌ای میان دو فرهنگ باشد؛ کسی یا نهادی که هم فرهنگ مبدأ را بشناسد و هم مخاطب مقصد را. این شناخت دوطرفه، اهمیت زیادی دارد. نمی‌توان بدون توجه به داتقه، حافظه تاریخی و زمینه اجتماعی مخاطب روس، صرفاً مجموعه‌ای از تولیدات فرهنگی ایران را به نمایش گذاشت و انتظار داشت ارتباطی پایدار شکل بگیرد.

دیپلماسی فرهنگی زمانی موفق‌تر است که از «معرفی خود» به «شناخت دیگری» برسد. این البته به معنای عدول از هویت فرهنگی نیست. برعکس، به معنای شناخت بهتر ظریف‌های آن است. فرهنگ ایرانی فقط حافظ و سعدی و نوروژ و معماری تاریخی نیست، همان‌طور که فقط سینمای جشنواره‌ای یا موسیقی سنتی هم نیست. ایران امروز نیز فرهنگی زنده، متنوع و در حال تغییر دارد؛ با سینماگران، نویسندگان، موسیقیدانان، هنرمندان تجسمی و نسل تازه‌ای از تولیدکنندگان فرهنگی که می‌توانند بخشی از تصویر امروز ایران را به جهان معرفی کنند. از همین منظر، همکاری‌های فرهنگی با روسیه می‌تواند از سطح «رویداد» فراتر برود.

ترجمه آثار ایران، فیلم‌های ایرانی، تولیدات مشترک سینمایی، همکاری میان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، تبادل هنرمندان و برگزاری برنامه‌های مشترک، چیزهایی هستند که می‌توانند یک هفته فرهنگی را به یک فرآیند فرهنگی تبدیل کنند. تفاوت این دو کم نیست. رویداد تمام می‌شود اما فرآیند ادامه پیدا می‌کند. پوستر یک هفته فرهنگی ممکن است چند روز روی دیوار بماند، اما یک ترجمه خوب می‌تواند سال‌ها خوانده شود. یک فیلم ممکن است فقط چند نوبت اکران شود، اما تصویری که در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند می‌تواند ماندگار باشد. یک دیدار میان دو هنرمند شاید در ظاهر فقط یک جلسه باشد، اما می‌تواند سرازغای یک همکاری چند ساله شود. از این زاویه، حتی می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین وظایف راینی‌های فرهنگی، «تداوم بخشیدن» به اتفاق‌هایی است که در چنین هفته‌هایی آغاز می‌شوند؛ چرا که فرهنگ، برخلاف سیاست، کمتر با دستور پیش می‌رود و بیشتر با تکرار و ارتباط ساخته می‌شود. اعتماد فرهنگی زمان می‌خواهد. شناخت متقابل زمان می‌خواهد. حتی اصلاح یک تصویر کلیشه‌ای از یک کشور نیز یک‌شنبه اتفاق نمی‌افتد. بنابراین، شاید بهتر باشد ارزیابی روزهای فرهنگی ایران در روسیه را به زمان بسپاریم. چند ماه بعد باید دید چه تعداد از این ارتباط‌ها ادامه پیدا کرده‌اند، چه همکاری‌هایی شکل گرفته، چه آثاری ترجمه با اکران شده‌اند و چه شبکه‌ای از روابط میان فعالان فرهنگی دو کشور ایجاد شده است.

ارزش یک هفته فرهنگی، به تعداد برنامه‌هایی نیست که در آن برگزار می‌شود، بلکه به تعداد ارتباط‌هایی است که پس از آن ادامه پیدا می‌کنند. فرهنگ می‌تواند یکی از آرام‌ترین و مؤثرترین سفیران یک کشور باشد. به شرط آنکه به‌خیرین برای چند روز اعزام نکنیم. هفته فرهنگی اگر قرار است اثرگذار باشد، باید وقتی تمام شد، تازه کارش را شروع کرده باشد.

باور کنید که می‌توانید

شاید شخصی ترین بخش مراسم زمانی بود که احمد ضابطی جهرمی پشت تریبون قرار گرفت. او سخنانش را با یاد فردین رهنما و تأثیر او بر مسیر حرفه‌ای‌اش آغاز کرد و بخشی از خاطرات نوجوانی خود را با حاضران در میان گذاشت.

تحلیل از ضابطی جهرمی، تنها بزرگداشت یک فیلمساز یا مدرس سینما نیست؛ بلکه پاسداشت بخشی از تاریخ شکل‌گیری اندیشه و زبان نظری سینمای مستند ایران است.

فاطمه محمدی و همایون اسعدیان، لوح تقدیر و ششمین «نشان عالی خورشید» به احمد ضابطی جهرمی اهدا شد.

پس از این بخش، بیانه‌ی هیأت امنای «نشان عالی خورشید» نیز در پاسداشت فعالیت‌های این نویسنده، پژوهشگر و مستندساز قرائت شد؛ بیانیه‌ای که بر جایگاه او در حوزه آموزش، پژوهش و تولید آثار مستند تأکید داشت.

عمیق در کیفیت زندگی انسان‌ها دانست و گفت: «نشان عالی خورشید با پاسداشت ضابطی جهرمی تابناک‌تر شده است.»

پس از نمایش فیلم «سنگ جان» ساخته آرتا تازی در بزرگداشت ضابطی جهرمی، نوبت به اهدای نشان رسید. با حضور محمد تهمی‌نژاد، رامین حیدری فاروقی، سعید رشتیان، مرتضی زراق کریمی و آذ عطارپور، پنج دارنده پیشین «نشان عالی خورشید»،

از حاشیه سینما تا هویت مستقل مستند

محمد تهمی‌نژاد، مستندساز و پژوهشگر، در ادامه مراسم به شرایط سینمای مستند در دهه ۵۰ شمسی اشاره کرد؛ دوره‌ای که به گفته او، ساخت فیلم مستند هنوز در جایگاه واقعی خود در سینمای ایران قرار نگرفته بود.

تیمای نژاد با اشاره به تجربه‌های آن دوران گفت: «در آن سال‌ها بارها از مستندسازان پرسیده می‌شد «چه زمانی قرار است فیلم بسازید؟» گویی مستند ساختن به معنای واقعی، فیلمسازی محسوب نمی‌شد و سینمای مستند همچنان در حاشیه سینمای ایران قرار داشت.»

او ورود ضابطی جهرمی به عرصه آموزش سینمای مستند را در چنین فضایی مهم دانست و گفت: «او با درک تاریخی از زمانه و شناخت نقشی که سینمای مستند می‌توانست ایفا کند، به آموزش این حوزه پرداخت.»

نشان عالی خورشید برای یک عمر تابندگی

رامین حیدری فاروقی در بخش دیگری از مراسم، درباره مفهوم «خورشید» و نسبت آن با فرهنگ ایرانی سخن گفت. او با اشاره به سابقه دیرینه مفهوم نور و تابناکی در فرهنگ ایران، این مفهوم را دارای پژواکی

وقتی مستند فقط «فیلم» نیست

مراسم با یادآوری بیش از ۵۰ سال فعالیت حرفه‌ای احمد ضابطی جهرمی آغاز شد. حامد شکیبانی در ابتدای برنامه گفت: «این آیین فرصتی است برای به خاطر سپردن سال‌هایی که ضابطی جهرمی به شکل مستمر و پربار در سینمای مستند، آموزش و پژوهش فعالیت کرده است.»

شکل گرفته است.

پس از نمایش فیلمی درباره زندگی و فعالیت‌های ضابطی جهرمی، مرتضی زراق کریمی رئیس هیأت امنای «نشان عالی خورشید»، درباره جایگاه او سخن گفت. به اعتقاد زراق کریمی، «اهمیت کارنامه ضابطی جهرمی را نمی‌توان تنها در فیلم‌ها و کتاب‌هایش خلاصه کرد؛ چراکه بخش مهمی از تأثیر او در سال‌های تدریس و تلاش برای تولید و انتقال دانش نظری سینمای مستند شکل گرفته است.»

سازنده گفت‌مان در سینمای مستند» یاد کرد و گفت: «او مستند را صرفاً یک محصول تصویری نمی‌داند، بلکه درباره ماهیت گونه‌ها، ساختارها، زبان و نسبت سینما با واقعیت اندیشیده و بخشی از این تجربه و اندیشه را وارد ادبیات تخصصی سینمای مستند کرده است.»

فرهنگ؛ زبان مشترک دو ملت ایران و روسیه

ظرفیت‌های راهبردی و رویدادهای معاصر

این میراث تاریخی، امروز به یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های روابط ایران و روسیه در قرن بیست و یکم تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، برگزاری هفته‌های فرهنگی، همکاری‌های دانشگاهی، ارتباط مراکز ایران‌شناسی و شرق‌شناسی و تبادل گروه‌های هنری، ظرفیت‌های تازه‌ای ایجاد کرده است. در سال ۲۰۲۵ میلادی، هفته فرهنگی فدراسیون روسیه در ایران برگزار شد و اکنون نیز هفته فرهنگی ایران در روسیه از سوم مهرماه آغاز شده است و تا ۱۳ مهر ادامه دارد. در چنین بستری، «روزهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» در فدراسیون روسیه فرصتی برای تبدیل یک سرمایه تاریخی به ظرفیت همکاری‌های آینده است. حضور هیأتی ۱۶۸ نفره متشکل از هنرمندان و نویسندگان فرهنگی به‌عنوان نماد ۱۶۸ دانش‌آموز شهید و معلم مظلوم مدرسه شجره طوبه میناب و همچنین برگزاری افتتاحیه در صحنه تاریخی بالاشوی ناتار متسکو، قلب فرهنگی روسیه، برای اولین بار و استقبالی چشمگیر مردم روسیه از اجرای ارکستر ملی و حضور هنرمندان سینمای ایران زمین، این رویداد را به یکی از گسترده‌ترین برنامه‌های فرهنگی ایران در روسیه تبدیل کرده است. این برنامه‌ها در چهار شهر متسکو، سنت پترزبورگ، کازان و آستراخان برگزار می‌شود و تنوع آن، نمایش آثار نزدیک به ۳۰ رشته هنری، اجرای موسیقی، سینما، انیمیشن، صنایع خلاق و برنامه‌های ویژه کودکان را دربرمی‌گیرد.

ارزش‌های مشترک تمدنی و مکمل‌های سیاسی

فرهنگ همچنین مکمل روابط سیاسی و اقتصادی است. هیچ توافق اقتصادی بدون شناخت متقابل و اعتماد اجتماعی باافعال نمی‌شود و هیچ رابطه سیاسی پایداری از ارتباط میان ملت‌ها بی‌نیاز نیست. هرچه ایرانیان، روسیه را بهتر بشناسند و روس‌ها، ایران را بدون واسطه تجربه کنند، زمینه برای گسترش تعاملات در حوزه‌های علمی، دانشگاهی، گردشگری، رسانه‌ای، اقتصادی و فناوریانه فراهم‌تر خواهد شد.

کاروان فرهنگی منادیان میناب در روسیه

برگزاری روزهای فرهنگی ایران در روسیه بخشی از یک مسیر بلندمدت است که در آن، چهار شهر میزبان، عرصه دیدار ایرانیان و روس‌ها هستند. اجرای ارکستر موسیقی ملی ایران با حضور ۶۰ هنرمند، نمایش صنایع دستی، برنامه‌های سینمایی و نشست‌های علمی، پنجره‌ای برای آشنایی مستقیم جامعه روسیه با ایران است.

چشم‌انداز آینده روابط فرهنگی و مردمی

امروز بیش از هر زمان به دیپلماسی فرهنگی نیاز داریم؛ دیپلماسی‌ای که بر شناخت متقابل و احترام به تنوع تمدنی استوار باشد. در جهان معاصر، بهترین راه مقابله با کلیشه‌های رسانه‌ای، ایجاد امکان دیدار مستقیم ملت‌هاست. هنرمندان، دانشمندان و دانشجویانی که در این مسیر گام برمی‌دارند، سفیران واقعی پیوند دو جامعه هستند.

پارادایم‌های همکاری‌های ایران و روسیه

ایران و روسیه امروز در مرحله‌ای هستند که روابط‌های همکاری آنها بسیار فراتر از جامع مشارکت راهبردی، همکاری دو کشور و دانشگاه‌های مشترک، به‌ویژه در حوزه خزر، حلقه دیگری در این زنجیره است. گسترش جغرافیای برنامه‌ها به کازان و آستراخان، حامل پیامی روشن درباره ضرورت توجه به ابعاد منطقه‌ای و مردمی روابط است. یکی از عرصه‌های تحول‌آفرین، سینما و صنایع خلاق است. توافق برای تولید مشترک فیلم و نشست‌های حرفه‌ای، اشتراکات فرهنگی در حوزه خزر، حلقه دیگری در این زنجیره است. گسترش جغرافیای برنامه‌ها به کازان و آستراخان، حامل پیامی روشن درباره ضرورت توجه به ابعاد منطقه‌ای و مردمی روابط است. یکی از عرصه‌های تحول‌آفرین، سینما و صنایع خلاق است. توافق برای تولید مشترک فیلم و نشست‌های حرفه‌ای، اشتراکات فرهنگی در حوزه خزر، حلقه دیگری در این زنجیره است. گسترش جغرافیای برنامه‌ها به کازان و آستراخان، حامل پیامی روشن درباره ضرورت توجه به ابعاد منطقه‌ای و مردمی روابط است.

زبان فارسی، ایران‌شناسی و میراث مکتوب، نشان می‌دهد همکاری فرهنگی تهران و مسکو از سطح عرضه متقابل فراتر رفته و به تولید دانش، ایده و پروژه‌های مشترک منجر می‌شود. در سنت پترزبورگ نیز همین نگاه دنبال می‌شود؛ دیدار وزرای فرهنگ دو کشور، برگزاری کمیته مشترک فرهنگی و امضای موافقت‌نامه تولید مشترک فیلم، نمونه‌هایی از تبدیل اشتراکات به سازوکارهای پایدار همکاری هستند.

در شورای امنیت موضعی صریح در محکومیت این اقدامات اتخاذ کرد و این حملات را مغایر با منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل دانست. طبیعی است که در حافظه سیاسی ایران، این مواضع مورد توجه قرار گیرد؛ اما آنچه روابط را پایدار می‌کند، پیوند میان جوامع، دانشگاه‌ها، هنرمندان، رسانه‌ها و نسل جوان دو کشور است. فرهنگ می‌تواند آنچه را در سطح سیاست آغاز شده، در سطح جامعه استمرار بخشد.

روابط ایران و روسیه، رابطه‌ای صرفاً میان دو دولت همسایه نیست. پشتوانه این روابط، تاریخی طولانی از تماس، گفت‌وگو، رفت‌وآمد، تجارت، دانش، ادبیات و شناخت متقابل دو ملت است. در این میان، فرهنگ طبیعی‌ترین و ماندگارترین زبان گفت‌وگو میان ایرانیان و روس‌هاست؛ زبانی که پیش از به کارگیری از سوی سیاستمداران، شاعران، نویسندگان، هنرمندان، اندیشمندان و مردم دو سرزمین از طریق آن با یکدیگر سخن گفته‌اند.

روابط تاریخی دو کشور به پیش از پانصد سال بازمی‌گردد. از حضور ادیبان فارسی در فضای فرهنگی روسیه تا گسترش مطالعات ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های این کشور و از سوی دیگر ترجمه آثار ادبی روسی به فارسی، این ارتباط همواره یکی از پایه‌های شناخت متقابل بوده است. برای ایرانیان، نام‌هایی چون الکساندر پوشکین، لئون تولستوی، فتودور داستایفسکی و آنتوان چخوف بخش مهمی از تجربه فرهنگی چند نسل را شکل داده‌اند. در سوی دیگر، فردوسی، سعدی، حافظ، خیام و نظامی نیز در فضای فرهنگی روسیه شناخته شده هستند و ادبیات فارسی جایگاه ویژه‌ای در سنت ایران‌شناسی این کشور دارد. این رفت‌وآمد فکری نشان می‌دهد دو ملت می‌توانند یکدیگر را نه صرفاً از دریچه سیاست و اقتصاد، بلکه از مسیر فرهنگ و تجربه انسانی بشناسند.